



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1100 – Student Glossary – UNIT 1109

Lesson No: 1109 **Tags:** American Language Course, UNIT 1109, Glossary

Outline	رؤوس مطالب	Walk	قدم زدن، پیاده رفتن
Study objectives	اهداف درس	Arrive	رسیدن، سر رسیدن، آمدن
Past Progressive Tense	زمان گذشته مستمر(در جریان)	A few	چند تا
Action Verbs	افعال حرکتی	A few minutes ago	چند دقیقه پیش
Regular Verbs	افعال با قاعده، افعالی که زمان گذشته و اسم مفعول آنها با افزودن d یا ed به آخر آنها ساخته می شود و از این قاعده تبعیت می کنند.	Movie	فیلم(سینمایی)
Irregular Verbs	افعال بی قاعده، افعالی که زمان گذشته و اسم مفعول آنها با افزودن d یا ed به آخر آنها ساخته نمی شود و باید شکل گذشته و اسم مفعول آنها را از بر کرد.	Close	بستن
Were you studying this morning?	آیا شما امروز صبح در حال مطالعه بودید؟/داشتید مطالعه می کردید؟	Smoke	دود کردن، سیگار کشیدن
Had	زمان گذشته فعل have به معنی داشتن	Pipe	پیپ
Saw	زمان گذشته فعل see به معنی دیدن	Out(adv.)	بیرون
Spoke	زمان گذشته فعل speak به معنی صحبت کردن	He looked out the window.	او به بیرون پنجره نگاه کرد.
French	زبان فرانسوی، شخص فرانسوی	Work	کار کردن
German	زبان آلمانی، شخص آلمانی	Together	با هم
Chinese	زبان چینی، شخص چینی	Memorize	از بر کردن، حفظ کردن
Spanish	زبان اسپانیولی، شخص اسپانیایی	Subject	نهاد جمله، فاعل
Japanese	زبان ژاپنی، شخص ژاپنی	Time expressions	اصطلاحات مربوط به زمان
Participle	وجه وصفی	An hour ago	یک ساعت پیش
Present Participle	وجه وصفی زمان حال، منظور همان شکل ing فرم فعل است.	A month ago	یک ماه پیش
Ending	پایانه، شناسه پایانی	Last month	ماه قبل
Voiceless	بی صدا	Substitute	جایگزین کردن
Voiced	صدادار	Progress	پیشرفت کردن، پیش رفتن
Vowels	حروف صدادار، حروف (a, e, i, o, u)	Action	عمل، فعل
I want a drink.	من یک نوشیدنی می خواهم.	Completed action	عمل کامل شده، عمل انجام شده
Hope to	امیدوار بودن	When	هنگامی که، وقتی که
Soon	به زودی	End(v.)	به پایان رسیدن
Look at	نگاه کردن به	Shave	تراشیدن، با تیغ زدن
Notebook	دفترچه، یادداشت	Cut	بریدن
		Face	صورت
		Swim	شنا کردن
		Hurt	صدمه زدن، آسیب زدن
		Ankle	قوزک پا
		Remember	به خاطر داشتن
		Usually	معمولاً
		Alone(adv.)	به تنهایی



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1100 – Student Glossary – UNIT 1109

Lesson No: 1109 **Tags:** American Language Course, UNIT 1109, Glossary

Describe	توصیف کردن	He was paying <u>his</u>	او در حال پرداختن صورتحسابش بود که
Another	دیگر، دیگری	<u>check</u>, when he	یک اسکناس یک دلاری را انداخت.
Downtown	مرکز شهر	dropped a dollar <u>bill</u>.	
Flat	پنچری، لاستیک پنچر	Play ball	بیس بال بازی کردن یا هر نوع بازی کردن با توپ
Broke	گذشته فعل break به معنی خراب شدن	It was raining <u>hard</u> last night.	دیشب داشت به شدت باران می آمد.
Start	شروع شدن	He was driving fast <u>when</u>	او داشت با سرعت می راند که
Put on	پوشیدن	he had a flat.	پنچر شد.
Jacket	کاپشن	Buy	خریدن
Get	شدن	Magazine	مجله
Get cold	سرد شدن، احساس سرما کردن	Sleep	خوابیدن
Get	رسیدن	Get a cold	سرما خوردن
They were eating lunch	وقتی ما رسیدیم اونجا، آنها در	He was swimming when	او در حال شنا کردن بود که سرما
when we <u>got</u> there.	حال ناهار خوردن بودند.	he <u>got</u> a cold.	خورد.
Maid	کُلفت، مستخدم زن	Begin	شروع شدن، آغاز گشتن
Clean	تمیز کردن	Asleep	خوابیده، خواب
Barracks	آسایشگاه سربازان	Fall asleep	خواب رفتن
Run	دویدن	Fry	سرخ کردن (با روغن)
Fall down	افتادن، زمین خوردن	Burn	سوزاندن
While	در حالی که	He was frying eggs, when	او داشت تخم مرغ نیمرو می کرد
Take an examination	امتحان دادن	he <u>burned</u> his hand.	که دستش را سوزاند.
Give an examination	امتحان گرفتن	Take a break	استراحت کردن
Point	نوک	Officer	افسر، کارمند
While he was taking his	در حالی که او داشت امتحان می	Wind	باد
examination, his pencil	داد، نوک مدادش شکست.	Blow	وزیدن، فوت کردن
<u>point</u> broke.		Get	رسیدن
Shine	درخشیدن، تابیدن	The wind was blowing	باد در حال وزیدن بود هنگامی که
Get up	از خواب برخاستن	when they got home.	آنها به خانه رسیدند.
Watch	تماشا کردن	Supply	ارایه کردن، عرضه کردن
TV	تلویزیون	Still	هنوز
Check	صورتحساب (رستوران و...)	Friend	دوست
Drop	انداختن	Leave for	ترک کردن، عزیمت کردن
Bill	اسکناس، پول کاغذی	He was <u>still</u> sleeping when	او هنوز در حال خوابیدن بود که
A dollar bill	یک اسکناس یک دلاری	his friends <u>left</u> for the lab.	دوستانش رفتند آزمایشگاه (زبان)



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1100 – Student Glossary – UNIT 1109

Lesson No: 1109

Tags: American Language Course, UNIT 1109, Glossary

Last	آخرین بار	Light oil	روغن سبک
When I last saw him.	وقتی من آخرین بار دیدمش.	Anti-freeze	ضد یخ
Turn out	خاموش کردن	Gallon	گالن، واحد حجم در آمریکا معادل چهار کوارت یا ۳/۷۸۵۴ لیتر
Other	دیگر، دیگران	It's getting cold, isn't it?	هوا داره سرد می شه، مگه نه؟
Turn on	روشن کردن	Sure	البته
Record	ضبط کردن (صدا و فیلم)	Prepare	آماده کردن، تهیه کردن
Listen to	گوش دادن به	Explain	توضیح دادن
Dog	سگ	Test	آزمون
Plane	هواپیما	Were the classes getting easier?	آیا کلاسها داشتند راحت تر می شدند؟
Name	نام	Do	انجام دادن
Do you speak English?	آیا انگلیسی صحبت می کنید؟	What were you doing when he called?	در حال انجام چه کاری بودی هنگامی که او تلفن زد؟
Good afternoon.	عصر به خیر	Run	کار کردن
Gas	بنزین	O.K. = Okay	اوکی، خوب، بدون مشکل
Station	ایستگاه	Was it running O.K.?	آیا آن (ماشین یا دستگاه) داشت خوب کار می کرد؟
Gas station	پمپ بنزین	Fine	خوب
What can we do for you?	امری داشتید؟ امرتونو بفرمایید. چه کاری می تونیم برای شما بکنیم؟	It was running fine when we left.	آن داشت خوب کار می کرد وقتی ما رفتیم.
Need	نیاز داشتن		
I need some gas.	من مقداری بنزین نیاز دارم.		
How much please?	چقدر (بنزین) لطفاً؟		
Fill	پر کردن		
Fill it.	پُرش کن. باک رو پر بنزین کن.		
Shall I...?	می خواهید...؟ عبارت اصطلاحی برای پیشنهاد مؤدبانه.		
Check	چک کردن، بررسی کردن		
Under	زیر		
Hood	کاپوت ماشین، درب روی موتور		
Shall I check under the hood?	می خواهید زیر کاپوت رو هم به نگاهی بندازم؟		
Oil	روغن		
Quart	کوارت، واحد حجم در آمریکا معادل یک چهارم گالن		
Low	پایین		
Your oil is a quart low.	روغنتون به اندازه یک کوارت کمه.		
Light	سبک		